

هشتادی های نگران

بعد از کلاس دانشگاه، چندتایی از دخترها را نگه می دارم تا از آن ها هم سن و سال ازدواج را جویا شوم. زهرا دانشجوی سال چهارم رشته معماری است. او نگاهی فلسفی به ازدواج دارد. «از نظر من باید یک ازدواج خوب کرد. در هر سن و سالی، اگر آدم با توجه به شرایطی که دارد به دنبال گزینه مناسب باشد، موفق می شود. فقط باید شرایط خود را بپذیرد. مثلاً من که سی و هشت ساله ام به ازدواج با مردی فکر می کنم که حداقل پنج سالی از خودم بزرگ تر باشد و ممکن است تجربه یک زندگی را هم داشته باشد ولی خیلی از هم سن و سال های من چنین تفکری ندارند.»

مریم هم دانشجوی معماری اما سال دوم است. او ۲۲ سال دارد و با ازدواج در سن کم موافق است. «راستش من همیشه نگران ازدواج هستم دوتا خواهر بزرگ تر دارم که به احترام آن ها هیچ وقت صحبتی نکردم. الان که بیست و دو ساله ام دوست دارم هر چه زودتر ازدواج کنم چون هر چه بگذرد دیر می شود. آدم از یک سنی به بعد دیگر با ازدواج تشکیل خانواده نمی دهد بلکه یک همراه پیدا می کند که کنارش باشد. نه وقتی برای فرزند دارد. نه حوصله ای برای تغییر.»

مهسا از دیگر دانشجویان کلاس نقشه کشی است. او متولد دهه ۸۰ است و به قول خودش برای ازدواج وقت زیاد دارد. «می دانید مشکل چیست؟ مشکل این است که من قصد ازدواج دارم ولی خیلی از گزینه هایی که سراغم می آیند یا قصد ازدواج ندارند یا شرایط ازدواج ندارند و می خواهند چند سالی صبر کنم. من هم نمی دانم واقعا با چند سال صبر کردن اتفاقی می افتد یا نه! یک نکته دیگر هم این است که یک وقتی بود که دخترها نگران ازدواج بودند. یادم هست دختر عمویم که دهه شصتی بود برای همین موضوع افسرده شد و دارو می خورد ولی ما هشتادی ها از این نگرانی ها نداریم. به زندگی خیلی راحت تر نگاه می کنیم.»

بزن بالای ۵۰

مادر و دختری خرید آمده اند و در بازار لوازم خانگی مشغول گشت و گذار هستند. معلوم است که از قیمت ها حسابی شگفت زده شده اند. تا حرف از سن و سال ازدواج می شود، مادر چشم و ابرویی در هم می کشد و می گوید: واقعا با این قیمت ها مگر می شود ازدواج کرد؟! الان پسر دو سال است که توی عقد است. تصمیم گرفتیم بعد ماه صفر مراسمی کوچک بگیریم و خانه خودشان بروند ولی همین چند تکه را که به عهده داماد است نمی توانیم بخریم! اگر می خواهی سن ازدواج را بنویسی، برای پسر ها بزن بالای پنجاه تا بتوانند پولی جمع و جور کنند. برای دختر ها هم بزن هر وقت خدا بخواهد! با این شرایط پسر ها سمت ازدواج نمی روند. من خودم سه تا دختر در خانه دارم و این حرف ها را می زنم. گاهی که با پدرشان حساب و کتاب می کنیم، می بینیم اگر در خانه بمانند و دانشگاه آزاد درس بخوانند، خرج کمتری دارند تا ازدواج کنند. این طفلی ها هم دوست دارند دنبال زندگی خودشان بروند ولی حتی اگر ما هم یک جوری هزینه ها را جور کنیم، پسر مناسبی پیدا نمی شود که دست کم کاری درست و حسابی داشته باشد که بشود روی آن حساب کرد. دخترش نگاه می کند به مادرش می کند و می گوید: همه دنبال عروس های کارمندی هستند که با پسرشان زندگی را بسازند. من که به مادرم گفته ام حالا با بیخ ریشش هستم چون قصد دارم هر چه درمی آورم خرج خودم کنم. آدم سن و سالش بالا برود و ازدواج نکند بهتر از این است که مجبور باشد خرج یک زندگی را بدهد. در جوابش می گویم چه ایرادی دارد زن هم کمک خرج زندگی باشد؟ می گوید: خیلی هم خوب است اما اینکه روی حساب شغلان خواستگارمان باشند خوب نیست.

بالاترین نسبت
تجرد قطعی برای زنان
در استان های بوشهر،
کرمانشاه، خوزستان و
فارس مشاهده می شود.

بررسی روند سن
ازدواج طی یک دهه اخیر
نشان می دهد میانگین
سن ازدواج از سال ۱۳۹۰ تا
سال ۱۳۹۹ افزایش یافته
است به طوری که برای
مردان میانگین سن ازدواج
در سال ۱۳۹۰ عدد ۲۶.۷ و
برای زنان ۲۳.۴ بوده است.
هم چنین در سال ۱۳۹۹
سن ازدواج مردان به ۲۹.۴
و برای زنان ۲۴.۸ رسیده که
نشان از افزایش سن ازدواج
در هر دو گروه جنسی دارد.

طبق آخرین آمار
ثبت شده از سوی سازمان
ثبت احوال در سال ۹۸،
بیشترین میانگین سن
ازدواج مربوط به استان
تهران (۲۹.۶ سال) و
کمترین آن متعلق به
ساکنان استان خراسان
جنوبی (۲۴.۹ سال) بوده
است. بیشترین میانگین
سن دختران کشور متعلق
به ساکنان استان تهران
(۲۶ سال) و کمترین
آن متعلق به ساکنان
استان های خراسان
جنوبی و سیستان و
بلوچستان (۲۰.۵ سال)
بوده است.